

۲۰۷۲۸۴۸



مجموعه شعر آرا فارسی

بهار سبز زندگی

نگین مرادی

پیشگفتار

شعر یک رخداد عاطفی عمیق انسانی است. شعر دریچه‌ی ورود به دنیای احساسات مشترک، زیبایی‌های ناتمام و حسرت‌های ناگزیر است. شعر حرف‌های ناگفته‌ای است که بر پیکره‌ی شاعر وحی می‌شود و تا شعر شدن و بر دل نشستن راه درازی دارد.

استاد بهار معتقد بود که: شعر خوب یعنی احساسات موزونی که از دماغ پرهیجان و روی اخلاق عالی‌تری برخاسته باشد. پس شاعر باید احساسات صیقل یافته و چشم‌های بی‌آتری داشته باشد. شعر گنجایش این را دارد که هر رنگ و لعابی و مضمونی بیاید و پاسخگوی نیازهای عاطفی و اجتماعی و غیره و ذلک باشد.

نه شعر بر زبان هر انسانی وحی می‌شود و نه هر انسانی شاعر و شعر دوست. شاعر نیازمند درک عمیقی تری، زندگی است، شاعر لایه‌های سطحی زندگی را ورق می‌زند و در کورسوی لحظه‌ها به دنبال نشانه‌ای است که حتی اگر شده برای لحظه‌ای انسان را به خود آورد. پس شاعری خوب است و شعر خوب می‌گوید، که خوب می‌بیند و خوب می‌شنود و راه را خوب می‌شناسد.

مجموعه‌ی پیش رو، جوشش سالهای دوری است که با شعر زندگی می‌کردم، با کتاب‌های شعر دوستی می‌کردم، سال‌هایی که شعر امن‌تنبهایی‌های من بود و شاعر شدن آرزوی بزرگ من. از آن روزها سال‌ها می‌گذشت، اما هنوز هم عاشق شعرهای سهراب و قیصر و فروغم. من نه شاعر شدم و شعرهای خوبی سرودم، اما همچنان به دنبال یافتن نقطه‌های مشترک انسانی‌ام.

ماحصل احساسات سال‌های دور را به کسانی تقدیم می‌کنم که سعادتمند شدند و هستند، از یکی زاده می‌شوم و از دیگری جاودانه:

پدر و مادر عزیزم